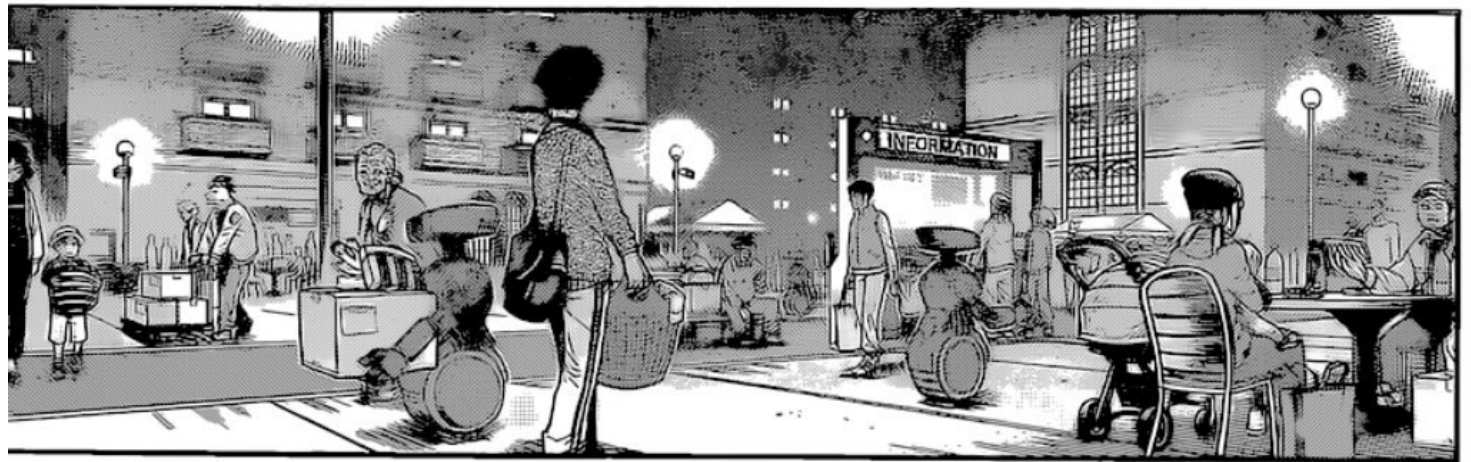


دیرستان
یو ای

منطقه
مسکونی
اضطراری

僕のヒーローアカデミア
قسمت ۳۴۲
آرامش قبل از طوفان



الان چکار
کنیم؟

دستور العمل
هارو گرفتیم



تیم ترجمه MHA FANS

مترجم: deku senpai

کلیئر: FM, F(x)

تایپت: sina_deadpool

ویراستار: eraser





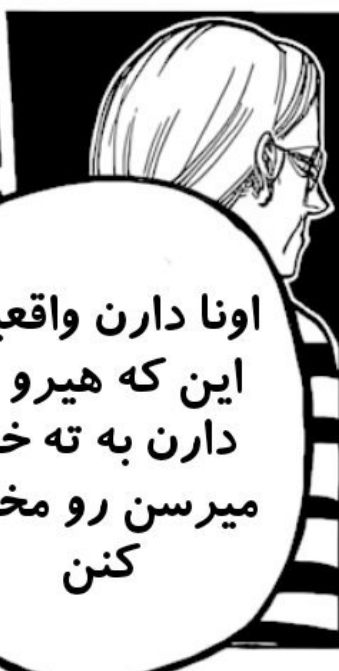
غوغا به پا کنین،
سعی کنین اونایی که
هنوز با هیرو ها
مشکل دارن رو
تحریک کنین



اون "خیلی قبلتر
پیش بینی کرده
بود که ما نمیتونیم
کار زیادی داخل
پناهگاه ها بکنیم



آتش رو
بیشتر
کنید



اونا دارن واقعیت
این که هیرو ها
دارن به ته خط
میرسن رو مخفی
کنن



یو ای خیلی خوب میدونه
تومورا شیگاراکی قراره تا
کمتر از یک هفته دیگه
راه بیفته



تا ایهو که میدوریا
دیگه تنه به اونجا
برگرد

فوابگاه
دانش آموزان



انضباط برای یه دانش
آموز همه چیزه، هرکاری
که میکنیم مستقیما به
قدرتمون ربط داره

هه
قویت میکنه
ارواح عمت...

پس یادتونه نه دشمنه نه دوست
مسلک بهیچکس

زود برین
بخواید

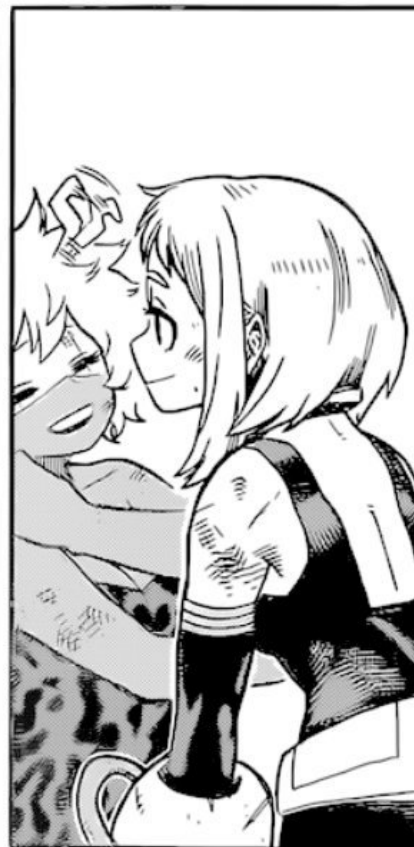
カシロ

باهات مخالفم
ولی
راست میگی...

بنظرم باید بیشتر
از وقت آزادمون
استفاده کنیم

فقط به یه ذره
وقت برای فکرای
خاکبرسری نیاز
دارم

テト
テト



الان حتی وقت
نداریم با هم
درست حرف
بزنیم

و هنوز از شن
درست تشکر
نکردم...



BAM

من اینجامم

یا خدااا

مثل همیشه
سر وقت!

چند تا چیز
هست که نیازه
بهتون بگیم

فقط تعداد
خیلی کمی از
افراد ارزش خبر
دارن

کاملاً
اشتباه!

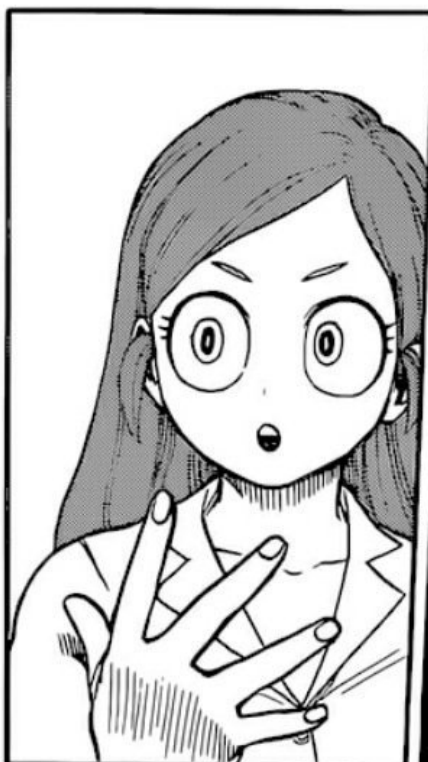
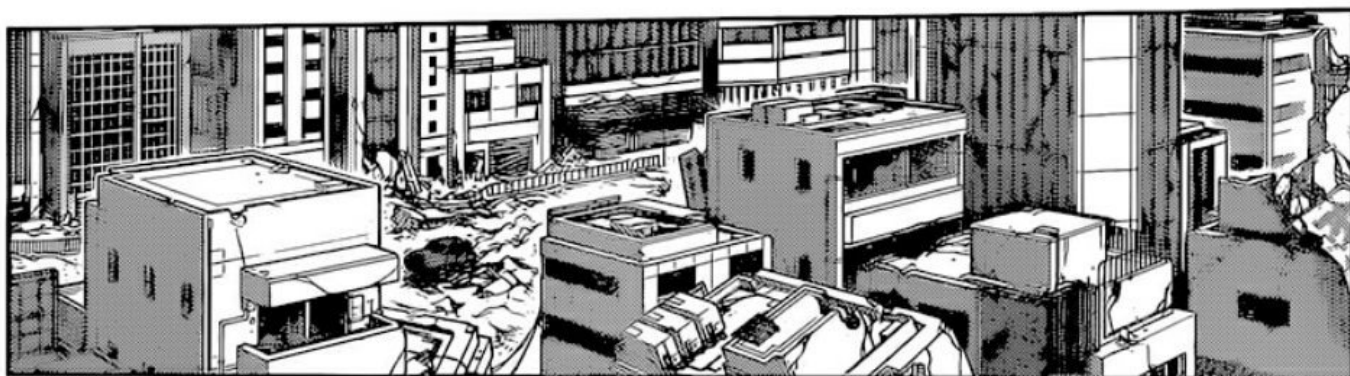
بنظر
هیجان زده
میای...

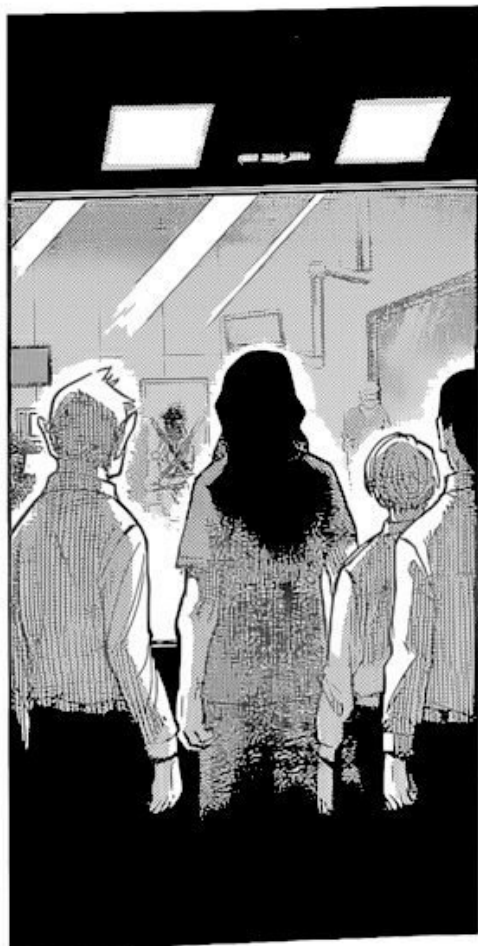
فکر کنم اخبار
درمورد وضعیت
آئویاما هستش؟

سوکائوچی سان
و مدیر...؟

ما او مدیم تا
در مورد

نقشه آخر مون
برای جنگ دوم
صحبت کنیم







روز
بعد

ゴォォン...

ゴォォン...

آره

شما هم
شنیدین مدیر
امروز صبح
چی اعلام
کرد؟

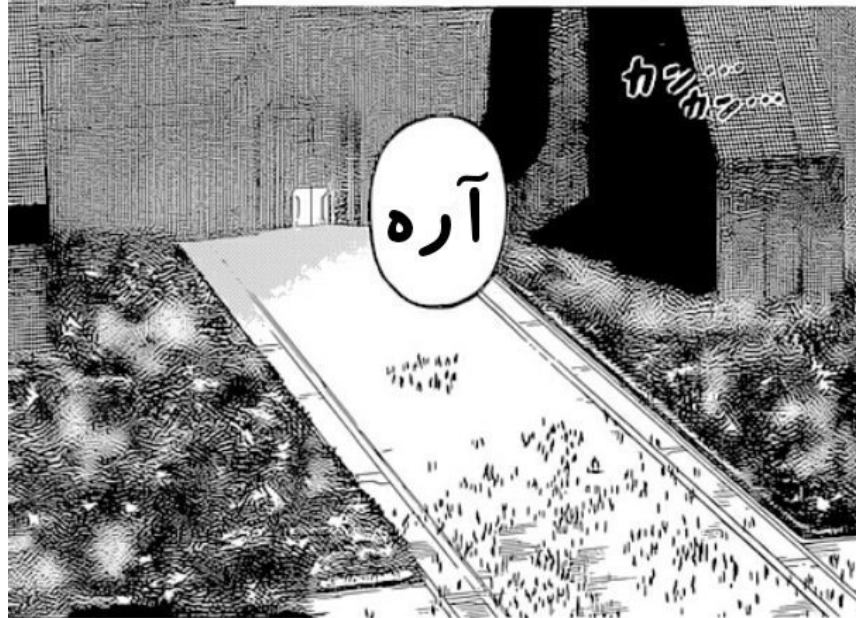
ゴォォン...

اون گفت تومورا
شیگاراکی تا ۴
روز دیگه حملش
رو شروع میکنه

おお

おお





احمقا، فقط باید دهنونو میبستید و میزاشتید یو ای ازتون مراقبت کنه، با این کارتون فقط راهو برای اون باز میکنین



...آینده ما
تضمین
شدست!

با این...

حتی بدون
مداخله ما هم
همه چیز طبق
نقشه پیش
میره...



تقریباً
۳۰ کیلومتر
دورتر از یوای

نمونه اولیه قلعه "تروا"

با تشکر از
سمتوس و اکتوپلاس و
پاورلودر. تهنستیم به
ساختمون مستحکم رو
سریع بسازیم

به پای یه
نمیرسه ولی
تخل چن تا ضربه
رو داره



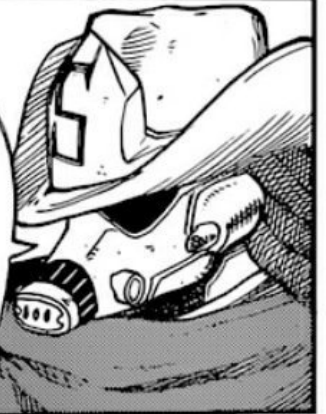
نمیخوام اینجا
آخرین
استراحتگاهم
باشه...
ولی بدک
نیست

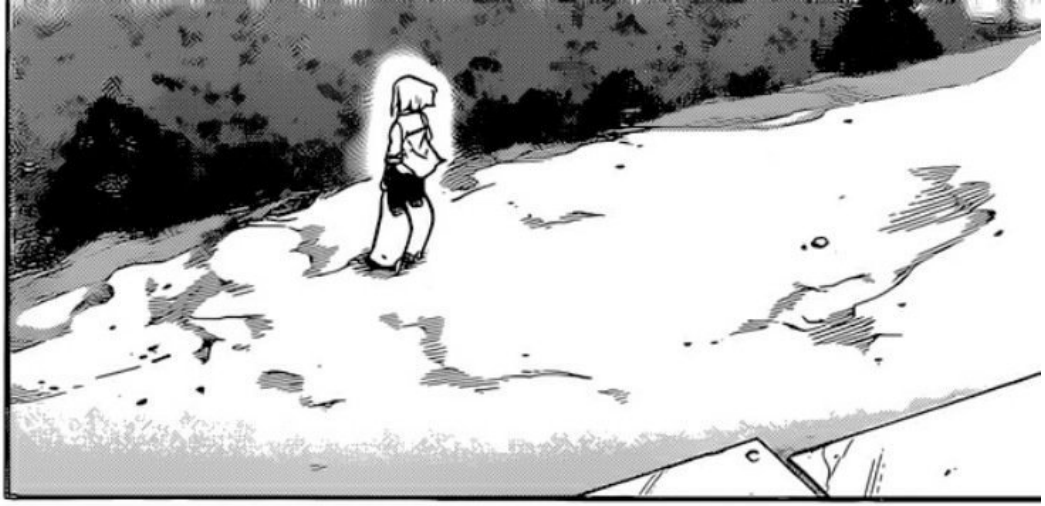
نفوس بد
نزن

دستشون
درد نکنه

اندازش دقیقا مثل
خوابگاه های
قدیمیونه!

وسایلتون رو
بزارید توی
اتاقاتون و
آماده بشین.









چهره توگا
هیمیکو تو
سرم اومد



ولی چهرش به
غمگین ترین
واکنشی که تا
الان دیده بودم
بدل شد.



بهبش چیزی
گفتم که باور
داشتم
واقعیه

موقع حمله
گیگانتوماکیا،
با هم روبه رو
شدیم



همشو
میفهمم
ولی..ولی
هنوز...

کاری که لیگ
کرده، غیر قابل
بخششه...

جون خیلی ها
توسط ویلن ها
گرفته شده

حالا شهر
به این روز
افتاده



حالا که بهش فکر
میکنم، هیچی در مورد
توگا هیمیکو نمیدونم

نمیدونم چیزی که
اون بهش باور
داشت واقعا
درست بود یا نه



برای همینه
دارم به شهر
نگاه میکنم...

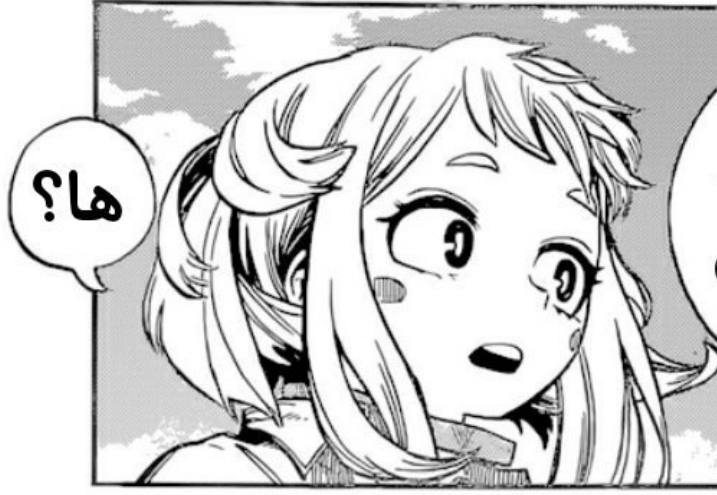


تا هیچوقت
فراموش نکنم
اونا چه کاری
باهاش کردن...

تا هیچوقت به
این چیزای
احمقانه فکر
نکنم...



میفهمم...
چی میگی



ها؟

منم
همینطور...

داخل شیگاراکی یه
پسر بچه دیدم که
داشت با التماس
گریه میکرد



حتی اگه
نبرد مون
اجتناب ناپذیر
باشه...

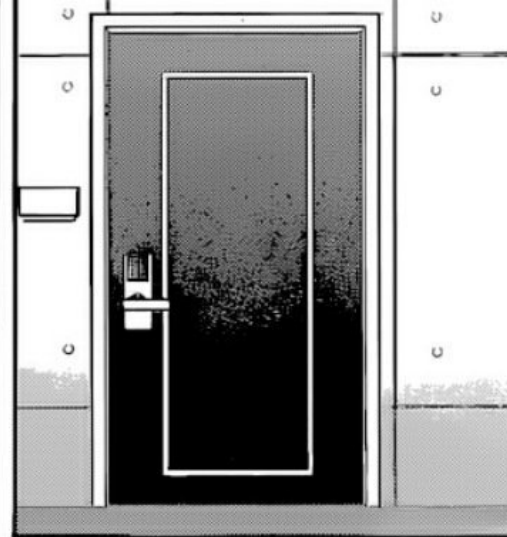
نمیخوام اون
بخششو
نادیده
بگیرم



فکر کنم
اینجوری... جفتمون
خلیم



ببخشید که
همتون رو
نگران
کردم، الان
حالم خوبه



حتی نمیدونم
داداش بزرگم چی
دوست داره و چی
دوست نداره



هیچجوره
نمیتونم
خودمو با تو
مقایسه کنم



من کاملاً
میفهمم، منم
داداش دارم
میدونی



بدم نیاد یه وقت
باهاش برای شام
برم بیرون



هه، باهات یه
میلیون شرط
میبندم اون سماور
عجیب الخلقه
اودون دوست داره



اگه
اینجوریه...

